



انترناسیونال ۲۰۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۱۲ مرداد ۱۳۸۶، ۳ اگوست ۲۰۰۷

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی

کارگران سراسر ایران، مردم آزاده!

به اقدام جهانی ۱۸ مرداد پیوندید!

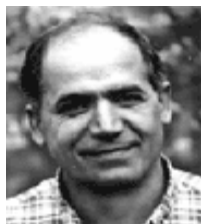
برای آزادی محمود صالحی، منصور اسانلو و همه زندانیان سیاسی به میدان آید!

دو اتحادیه کارگری جهانی روز ۹ اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی تعیین کرده اند. در این روز در برابر سفارتخانه های جمهوری اسلامی

صفحه ۳

برای آزادی اسانلو و محمود صالحی

نامه اصغر کریمی به "آی تی یو سی" و "آی تی اف"



المللی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی صمیمانه قدر دانی میکنم و دستتان را بگرمی میفشارم. ما از فراخوان به اقدام بین المللی در روز ۹ اوت قویا

صفحه ۳

حمل و نقل، مايلم که از جانب حزب کمونیست کارگری ایران، به شما و به میلیونها عضو اتحادیه های کارگری وابسته اعلام کنم که از فراخوان شما به اقدام بین

دوستان گرامی، گای رایبر دبیر کل فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری، دیوید کاکرافت دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران



ستون اول

حمید تقوائی

اقدام ۱۸ مرداد،

اعتراضی

از نوع دیگر!

اقدام کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی يك حرکت مهم سیاسی در مقابله با جمهوری اسلامی و يك اقدام مهم در جهت همبستگی و اتحاد عملی کارگران جهان است. از هر دو نقطه نظر خصوصیات کارگری این حرکت اعتراضی نقطه قوت آن محسوب میشود و به آن جایگاه ویژه و متمایزی در قیاس با اقدامات معمول دولتها و نهادهای بین المللی در اعتراض به جمهوری اسلامی میدهد.

دولتها و نهادهای جهانی نظیر غفو بین الملل و یا سازمان ملل و اتحاد اروپا و غیره معمولاً به نوشتن نامه اعتراضی به سفارتخانه ها و مقامات جمهوری اسلامی با زبانی دیپلماتیک بسنده میکنند. گرچه این نوع اقدامات نیز بنویه خود مثبت است اما نقش و برد محدودی دارد. حرکت جهانی اتحادیه های کارگری نوع دیگری از اعتراض و مقابله با جمهوری اسلامی است، نوعی که از چارچوب دیپلماتیک و مناسبات بین دولتها و پارلمانها فراتر میروید و به عمل مستقیم کارگران متوسل میشود.

يك نمونه تحرك جهانی کارگران در دفاع از کارگران ایران اعلام حمایت از کارگران اعتصابی شرکت واحد در ۱۵ فوریه سال گذشته بود و نمونه دیگر فراخوان اخیر،

صفحه ۲

مجازات اعدام قتل عمد دولتی است

این وحشیگری حکومت ها همه جا باید پایان داده شود

صفحه ۳

دانش آموزان در آلمان، علیه اعدامها در ایران

در هامبورگ، شاگردان یک مدرسه، در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی تجمع میکنند!

صفحه ۳

پخش برنامه های "تلویزیون انترناسیونال" در "کانال جدید"

بر روی ماهواره هات برد

از روز چهارشنبه سوم مردادماه (۲۵ ژوئیه) شروع شده است.

تلویزیون انترناسیونال را به دوستان و آشنایانتان معرفی کنید

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نامه تعدادی از کارگران مجتمع های پتروشیمی های منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر

هائی از اعتراضات اجتماعی در جامعه امروز ایران است. تمامی این اعتراضات، برای رسیدن به شرایطی انسانی بوده و حمایت شما از منصور اسانلو و محمود صالحی بخش مهمی از حرکتی جهانی برای یاری رساندن به امر آزادی رهبران عملی اعتراضات کارگری از زندان در ایران است. ما در کارخانه های محل کار خود، اطلاعیه حمایتی شما را به میان کارگران برده و مورد بحث قرار دادیم و چه باشکوه مورد استقبال قرار گرفت و عمل شما مورد قدردانی همگانی است و از این منظر قابل ستایش.

امیدواریم تا روز (۹ اوت) ۱۸ مرداد این دو رهبر کارگری، منصور و محمود، از زندان آزاد شوند. امیدواریم، تحت فشارهای بین المللی دانشجویان زندانی دانشگاه امیر کبیر نیز از زندان آزاد شوند و این بزرگترین دستاورد این حرکت با ارزش شما خواهد بود و بارزتر برای ما.

با آرزوی تداوم چنین حرکتی با ارزش جهانی زنده باد وحدت طبقاتی کارگران جهان زنده باد آزادی تشکل های کارگری ۱۰/۵/۸۶

پتروشیمی بندر امام
پتروشیمی فن آوران
پتروشیمی اروند
پتروشیمی مارون
پتروشیمی فجر
پتروشیمی کارون
پتروشیمی غدیر

به: کنفدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری ITCU و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل ITF

دوستان عزیز
با درودهای فراوان

ما تعدادی از کارگران مجتمع های بالا، از اقدام جهانی شما برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی که در حقیقت بخش مهمی از دفاع جهان متمم از مردم ایران است، صمیمانه قدر دانی میکنیم. ما کارگران، در ایران تحت شدیدترین تبعیضات و فشارهای اقتصادی سرمایه داری قرار گرفته و روز بروز عرصه زندگی بر ما تنگ تر و تنگتر میشود. اعتراضات کارگران شرکت واحد که شما در فوریه سال گذشته از آن حمایت کردید و هزاران اعتراض بحق دیگر کارگری، فقط گوشه

ایران وضعیت بسیار مساعدی برای مقابله با ماشین جنایت جمهوری اسلامی فراهم میکنند. روز آکسیون و خواست و مضمون آن از جانب فدراسیونهای جهانی کارگران که میلیونها کارگر را نمایندگی میکنند اعلام شده است. این شرایط مستقل از اینکه خود این اتحادیه ها چه اقدامی در دستور بگذارند، به کارگران ایران این امکان و فرصت را میدهد که در پاسخ به فراخوان اتحادیه جهانی دست به اقدامات اعتراضی گسترده بزنند. این اقدامات میتواند از کم کاری و دست از کار کشیدن تا ایجاد تجمعهای اعتراضی در میادین شهرها و در مقابل زندانها و تا صدور اطلاعیه و بیانیه و قطعنامه با خواست مشخص آزادی فعالین کارگری و تمامی زندانیان سیاسی را در بر بگیرد.

فراخوان فدراسیونهای جهانی کارگری چتر و فضای مساعدی بوجود آورده است که موازنه قوا را به نفع حرکت اعتراضی کارگران و کل مردم بجان آمده از حکومت اسلامی و به ضرر سرکوبگران حاکم تغییر میدهد. این فشاری به مراتب موثر تر و کار سازتر از اعتراض دولتها و نهادهای حقوق بشری به جمهوری اسلامی است. این فشار در صورتی که با حرکتی اعتراضی در ایران همراه و تقویت شود میتواند جمهوری اسلامی را به عقب راند و موج ارباب و سرکوب را به موج تعرض علیه سرکوبگران تبدیل کند.

نه تنها کارگران و نهادهای تشکلهای فعالین جنبش کارگری بلکه همه بخشهای معترض جامعه فعالین جنبش آزادی زن و جنبش دانشجویان و جوانان، خانواده های زندانیان سیاسی و فعالین جنبش علیه اعدام و سنگسار میتوانند و باید به استقبال ۱۸ مرداد بروند و این روز را به یک روز تعرض همبسته جهانی علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنند. حزب ما با تمام توان و امکاناتش در داخل و خارج کشور برای شکل دادن به این حرکت خواهد کوشید. *

ستون اول

از صفحه ۱

اقدام جهانی در روز ۹ اوت (۱۸ مرداد) است. در هر دو مورد اتحادیه ها و فدراسیون و کنفدراسیون جهانی اتحادیه ها، یعنی تنها تشکلهای موجود جهانی کارگران، فراخوان دهنده بوده اند. وابستگی اکثریت قریب به اتفاق این اتحادیه ها بویژه در کشورهای غربی به احزاب حکومتی و محافظه کاری و سازشکاری رهبری و خط رسمی حاکم بر آنها بر کسی پوشیده نیست. این هم روشن است که این حرکت بر متن اختلاف و اصطکاک منافع دول غربی با جمهوری اسلامی امکان بروز پیدا کرده است. اما انگیزه ها و زمینه های این تصمیم رهبران اتحادیه ها هر چه باشد، نفس این حرکت از لحاظ عینی و در جهان واقعی مهر همبستگی جهانی کارگران و خصوصیات مثبت یک اعتراض جهانی کارگری را بر خود دارد.

این حرکت یک اعتراض دیپلماتیک نیست، یک آکسیون و اقدام کارگری است. مسئولین کنفدراسیون و فدراسیون جهانی کارگران در نامه ای نه به مقامات و یا سفارتخانه های جمهوری اسلامی و یا به دولتهای کشور خود، بلکه خطاب به تشکلهای وابسته و میلیونها کارگر عضو خود در سراسر جهان این حرکت را آغاز کرده اند. مضمون این نامه نیز نه اعتراض دیپلماتیک به رژیم اسلامی بلکه التیماutom به این حکومت برای آزادی اسانلو و صالحی است. در این نامه خطاب به اعضا و سازمانهای وابسته اعلام شده که جمهوری اسلامی باید تا روز ۱۸ مرداد این دو فعال کارگری را آزاد کند، و در غیر این صورت تشکلهای کارگری جهان دست به اقدام اعتراضی خواهند زد. این نامه خطاب به تشکلهای عضو میگردد: " لطفا بسرعت به ما اطلاع دهید که سازمان شما چه فعالیتهایی برای روز اقدام در تاریخ ۱۸ مردادماه تدارک می بیند ". این حرکت تا همین جا و مستقل از اینکه تشکلهای وابسته عملا به چه اقداماتی دست بزنند و

اقدام اعتراضی ۱۸ مرداد چه ویژگی های رادیکالیسم کارگری است که حتی در قالب تنگ حرکت اتحادیه ها نیز نقاط قوت و قدرت بالقوه خود را عیان میکنند. این بعهده نیروهای رادیکال سوسیالیست و کمونیست کارگری نظیر حزب ما است که این پتانسیل و نقاط قدرت را بدرستی تشخیص بدهند و با اتکا بر آنها برای سازماندهی یک اقدام هرچه رادیکال تر و گسترده تر در ایران و در دیگر کشورها بکوشند.

نکته دیگر شرایط سیاسی ویژه ای است که این حرکت کارگری در آن صورت میپذیرد. جمهوری اسلامی با تمام امکانات توحش و کشتار و سرکوبش در برابر مردم قرار گرفته است. میگیرد و می بندد و شکنجه و اعدام میکند. باید با تمام قدرت در برابر این ماشین جنایت ایستاد و آترا به عقب راند. باید توجه داشت که جمهوری اسلامی علیرغم یورش وحشیانه اخیر و با همه کشتار و بگیر و ببندی که به راه انداخته است تا کنون در مختنن کردن جامعه و به تسلیم و تمکین واداشتن مردم ناتوان بوده است. میتوان و باید این موج ارباب و سرکوب را به ضد خود تبدیل کرد.

در این شرایط اعلام روز ۱۸ مرداد به عنوان روز اقدام جهانی کارگران با خواست مشخص آزادی دو فعال سرشناس جنبش کارگری در

سوسیالیسم پیا خیز! برای رفع تبعیض



مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

از صفحه ۱ نامه اصغر کریمی ...

پشتیبانی میکنیم.

این یک اقدام ارزنده در ادامه آکسیون جهانی ۱۵ فوریه سال گذشته در حمایت از کارگران اعتصابی شرکت واحد است. اما اکنون در شرایطی که جمهوری اسلامی در هفته های اخیر موج وسیعی از اعدام و سنگسار و دستگیری فعالین کارگری، دانشجویی، زنان راه انداخته است، اقدام جهانی ۹ اوت فقط جلوه دیگری از اتحاد و همبستگی جهانی کارگران نیست، فقط یک پیشروی مهم برای کارگران ایران نیست، بلکه یک نقطه قوت مهم برای همه مردم ایران در مقابله با رژیم اسلامی است، رژیمی که جز شلاق و حجاب و سنگسار و اعدام و زندان راهی برای بقا ندارد.

ما فعالان در اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود

فریاد آزادی اسانلو، صالحی و همه زندانیان سیاسی در ایران را هرچه بلند تر در سطح جهان طنین اندازیم.

حزب ما همواره کارگران جهان را از بی حقوقی کارگران و مردم ایران مطلع کرده و آنها را به حمایت از مبارزات کارگران و مردم ایران و تحت فشار قرار دادن و انزوای جهانی جمهوری اسلامی فرا خوانده است. اقدام شما را گامی در این جهت میدانیم و امیدواریم و به سهم خود مجدانه میکوشیم که همبستگی جهانی با مبارزات کارگران و مردم ایران هرچه گسترده تر شود. بار دیگر دست شما را میفشارم و تقاضا میکنم این نامه را در اختیار سازمانهای تابعه و اعضای آن قرار دهید.

اصغر کریمی
رئیس هیات دبیران
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ ژوئیه ۲۰۰۷

از صفحه ۱ کارگران سراسر ایران ...

آزادیخواه سراسر کشور را فرامیخواند که از فراخوان اتحادیه ها حمایت کرده و به هر شکل که میتواند همبستگی خود را با فراخوان آنها اعلام کنید.

کارگران، زنان و مردان آزادیخواه! روز پنجشنبه ۱۸ مرداد را به روز مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تبدیل کنید. از پیش به استقبال این روز بروید، با دوستان و آشنایان و همکاران قرار و مدار بگذارید، عکس صالحی و اسانلو و دیگران زندانیان سیاسی را بر درودیوار شهر و محیط کار و درس بزنید، همه جا را از شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد پر کنید، در روز ۱۸ مرداد در میادین و مراکز اصلی شهرها اجتماع کنید، در محل

در نقاط مختلف جهان تظاهرات اجتماعی برپا خواهد شد و در داخل کشور نیز جنب و جوش چشمگیری به راه افتاده است. روز ۱۸ مرداد فرصتی است که باید با وسیع ترین استقبال کارگران و همه مردم به جان آمده از جمهوری اسلامی روبرو گردد. ۱۸ مرداد روز همبستگی جهانی کارگری، روز مبارزه برای آزادی فعالین کارگری زندانی، مبارزه برای آزادی همه زندانیان سیاسی و فرصتی برای میدان آوردن صف متحد کارگران و مردم معترض و آزادیخواه در مقابله با جو اختناق و اعدام و ارباب جمهوری اسلامی است. حزب کمونیست کارگری شما کارگران، معلمان، دانشجویان و زنان و مردان

کار جمع کنید، کار را به نشانه همبستگی با این اقدام جهانی متوقف کنید، مجمع عمومی تشکیل دهید، در دفاع از آزادی صالحی و اسانلو قطعنامه صادر کنید، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی شوید. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در برپایی یک روز جهانی هرچه گسترده تر برای آزادی رهبران کارگری و کلیه زندانیان سیاسی، و روزی برای عقب راندن رژیم زندان و سنگسار و اعدام تلاش میکند و همه شما را به این همبستگی شورانگیز جهانی فرا میخواند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۸ مرداد ۱۳۸۶، ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۷

مجازات اعدام قتل عمد دولتی است

مجازات اعدام وقیحانه ترین

و کثیف ترین شکل قتل عمد است

این وحشیگری حکومت ها همه جا باید پایان داده شود

تشکیل احزاب مخالف، طنز کردن خدا و امام و پیغمبر، همجنس گرایی و غیره هم مردم را اعدام میکنند. میگویند داریم قاتل را اعدام میکنیم اما دولت و سران آن ۱۵۰۰۰۰ قتل در پرونده خود دارند و خود بزرگترین قاتلان کشوردند.

میگویند ارادل و اوباش را اعدام میکنیم اما ارادل و اوباش واقعی خامنه ای ها، احمدی نژادها، رفسنجانی ها، خاتمی ها، سردار طلائی ها و سایر سران و کارگزاران رژیم هستند. حتی آنجا که قاتلی را اعدام میکنند، هدفشان ارباب جامعه است.

میگویند اعدام میکنیم که جامعه را امن کنیم، اما ارادل و اوباشی که ۲۸ سال است بر مسند قدرت نشسته اند، مسببان واقعی ناامنی هفتاد میلیون انسان هستند. این نظام اسلامی است که باید واژگون شود. این نظام سرمایه داری است که باید به گور سپرده شود. مجازات اعدام یک عمل شنیع است و باید به آن پایان داده شود. احکام محکومین به اعدام همگی باید لغو شود.

مجازات اعدام بخاطر کیفر دادن کسی نیست. برای ارباب است. برای تسلیم کشاندن مردم است. با اعدام میخواهند مردم را به تمکین به مقررات و دستورات وادار کنند. اعدام در خدمت طبقات حاکم است. این کار دولتها است که شهروندان را سر جای خود بنشانند و به اطاعت از دولت بکشانند. باید جلوی این مجازات غیر انسانی را گرفت.

مجازات اعدام فرهنگ آدمکشی در جامعه را رواج میدهد. ارزش انسان را پائین میآورد. تجربه نشان داده است که در کشورهایی که مجازات اعدام لغو شده و حتی برای قتل هم کسی را اعدام نمیکند، موارد قتل کمتر از کشورهای مثل آمریکا است که مرکز مجازات اعدام است و جنایت و اسلحه کشیدن بر روی همدیگر هم هر روز اتفاق میافتد.

هیچ دولتی حق ندارد کسی را بگیرد و بکشد. چه رسد به دولتی که خودش باید در مسند اتهام بنشیند بخاطر نسل کشی عظیمی که کرده است.

در ایران حتی بخاطر سکس غیرمجاز، اعتقاد به مرام اشتراکی،

خانم هیرو دانش، همسر هیوا (عبدالواحد) بوتیمار فعال مدنی و روزنامهنگار در مریوان، که همراه با عدنان حسن پور محکوم به اعدام شدند، در نامه ای به سازمانها و نهادهای پشتیبان حقوق بشر، به حکم اعدام همسرش اعتراض کرد.

متن نامه خانم هیرو به شرح زیر است:
به:
اتحادیه اروپا!
اتحادیه روزنامه نگاران کردستان و جهان!

سازمان گزارشگران بدون مرز!
انجمن جهانی قلم!
سازمان دیده بان حقوق بشر!
کلیه نهادهای طرفدار حقوق بشر NGOهای سراسر جهان
انسان های آزادیخواه
سازمان عفو بین الملل

اعتراض همسر هیوا (عبدالواحد) بوتیمار

به حکم اعدام همسرش

اینجانب هیرو دانش همسر زندانی در بند هیوا (عبدالواحد) بوتیمار نسبت به حکم اعدام همسرم، که در تاریخ ۱۷ جولای ۲۰۰۷ برابر با ۲۶ تیر ۱۳۸۶ صلور حکمی ناعادلانه از سوی دادگاه انقلاب شهرستان مریوان، که به اعدام محکوم شده اند؛ اعتراض خود را اعلام نموده و از تمامی سازمانها و نهادهای بین المللی خواهانم که به داد همسرم، که در این دوران زندان در بدترین شرایط زندگی بوده است، برسید. و جان انسانی را از مرگ حتمی نجات دهید. در ضمن از کلیه کسانی که برای آزادی همسر در بندم فعالیت کرده اند صمیمانه تشکر می نمایم.

دیو دانش همسر زندانی در بند هیوا
(عبدالواحد) بوتیمار

دانش آموزان در آلمان، علیه اعدامها در ایران در هامبورگ، شاگردان یک مدرسه، در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی تجمع میکنند!

دوشنبه قرار است میتینگ اعتراضی در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی در شهر هامبورگ برگزار میشود. همچنین در ماه

صفحه ۸

رسانه آلمانی، مطلب نوشته اند. در ادامه این افشاگریها، از طرف شاگردان یک مدرسه در هامبورگ، اعلام کمپینی علیه اعدامها در ایران شده و در دو هفته آینده روزهای

اخبار جنایات جمهوری اسلامی بر علیه مردم و جوانان در ایران، در رسانه های آلمانی منعکس میشود. در مورد حکم اعدام سینا پایمرد و اعدام جوانان در ایران تا کنون چندین

شب بخیر، "آقا"

یاشار سهندی

آموزش و پرورش کشور را متحول نمود. و آن سوسک فربه حواس ما را پرت کرده بود و نمیکذاشت درست دل بدهیم به کلام آقا. اما بالاخره آن سوسک کوتاه آمد و از همان راهی که وارد شد خارج شد و رفت پی امورات خودش و ما البته نگران از اینکه برنگردد به حرفهای آقا توجه مینمودیم.

و از مریدان حضرتش (حاج آقا مصباح زیدی) خواندم: باید نظام آموزشی را بر اساس باورها و ارزش های بسیجی بنا کرده و نسل جدیدی را بر مبنای آن پرورانیم تا جامعه ما مهبای ظهور حضرت ولی عصر (عج) شود. این سخنان در ادامه سخنان آقا است که میفرمودند: که نظام آموزشی در کشور بر مبنای ضد دینی بنیان گذاشته شده که باید تحول اسلامی یابد. خب از شما چه پنهان من هم حرفشان را تصدیق میکنم که باید این نظام آموزشی تغییر یابد. ربع قرن است تو گوش بچه های ما کردند دوازده امام داریم که این یکی از اون یکی بهتره؛ در دروس ریاضی سوال اینگونه بوده است دوازده اختر تابناک در آسمان ولایت و امامت داریم یکی شان میفتد تو سردابه چند تا میماند؟ بچه های نازنین ما تا حساب میکردند و میگفتند یازده تا، میفرمودند: دعای گشایش روده ها بهنگام رفتن به مستراح چیست؟ و آداب طهارت چگونه است؟ احکام و عقاید نورانی اسلام را کودکان ما به هر مصیبتی فرا میگردانند این عزیزان اما تا به سنی میرسند که میتوانند دست چپ و راستشان را تشخیص دهند شروع میکنند به فکل گذاشتن و موها را از روسری بیرون ریختن و تو کوچه ها دل همدیگر را ربودن و دل را گرو شیطان گذاشتن و عاشق هم شدن. و چنین است که اول از همه یادشان می رود که امام زمانی است و این جمعه نه، آن یکی جمعه خواهد آمد و سر همه منکرین و مشرکین و کافرین و مرتدین را گوش تا گوش خواهد برید؛ فرج آقا یادشان می رود و بنابراین هر روز با یک تیپ مو بیرون می آیند و پلیس اسلام مجبور است فیچی بدست تو خیابانها سر در پی شان بگذارد یا مانند کوتاه پوش ها را از خیابان جمع کنند. باید هم این نظام آموزشی یک جای کارش بلند

نشسته بودم روی صندلی مغازه ساندویچ سازی و منتظر بودم ساندویچ هایی که سفارش داده بودم آماده شود. نگاهم اما به سوسک فربه بود که کف مغازه ویلان بود که به مانند همه سوسکهای جهان به این سوی آن سوی میزد که ناگاه بیچش را گرفت سمت من، پایم را بالا گرفتم، خواستم پایم را بگذارم زمین مانع حرکتش شوم و یا با زمین یکسانش کنم راستش از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان جراتش را نداشتم! بعدش هم این بیت شعر را از حفظ هستم: میازار موری که دانه کش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است، و سوی آن سالیانی بسیاری است نکته ای از یک کارگردان شیر سینما (که یک زمانی نور چشم فستیوال کن بود برای خودش برو بیایی داشت اما حالا... روزگار است دیگر، بالا و پایین زیاد دارد!) ملکه ذهنم شده که خشونت بخرج ندهم، سالیان پیش از ایشان خوانده بودم که نگران دخترش بود که در کودکی پشه ها را میکشست بدون آنکه فکر کند اینها نه بیمارستان دارند نه درمانگاه و مهمتر اینکه خشونت را یاد میگیرند. بیخود نبود راه براه در پی شکار آدمها بود تا از "خشونت درون گروهی" نجاتشان دهد و یکراست تحویل اوین میداد تا یا تویه کنند یا کشته شوند. اگر فکر میکنید که اهل هنر در فرانسه همین جور بیخود و بیجهت شیفته مخملباف بودند سخت در اشتباهید. برای همین دل پر از مهر و عطوفت و ذهن رمانتیک ایشان بود که در صدر مینشانندش و شاخه ای نخل طلا زیر بغلش میگذاشتند.

از سوسک کفری بودم نه بخاطر اینکه نشان از بهداشت محیط داشت، ما دیگر پوست کلفت شدیم اگر در اینجور جاها سوسک نینسیم نگران میشویم، بلکه نگرانی بخاطر این بود که به کلام گوهر بار "آقا" گوش جان سپرده بودم که در جمع "فرهنگیان فرهیخته" که ۲۸ سال است دارند جان میکنند تا بهشت آن دنیا را به فرزندان ما بقبولانند سخنوری میفرمودند: که باید

ادامه بحران بنزین زمین زیر پای حاکمیت داغتر شده است!

امید رهایی

تلویزیون جمهوری نکبت قداره بندان اسلامی حاکم بر ایران، صحنه هائی را از جلسه علنی مجلس نشان داد که بی شک میشود تصور کرد، زمین تا چه حدی زیر پای نظام جمهوری اسلامی داغ تر شده است. به جملات زیر خوب توجه کنید:

- احمد ناطق نوری عضو هیئت رئیسه مجلس مطرح کرد:

دولت توپ را به زمین مجلس انداخته است. کار کشاورزی مختل شده (بخوان اوضاع رژیم مختل شده)، صنعت گردشگری متوقف شده و اعتراضات در حوزه های

انتخابیه بسیار زیاد است. - صنعتی مهربان یکی از نمایندگان خطاب به وزیر کشور گفت: اگر هدفستان از اجرای اینچنینی سهمیه بندی بنزین، تخریب خانه ملت بود، موفق شده اید و این موفقیت را به شما تبریک میگویم. اما اگر هدف کمک به قشر مستضعف بوده، دولت ناموفق بوده است.

وزیر کشور در پی اعتراضات نمایندگان در بخشی از اظهاراتش میگوید: سالهاست که در نظام اداری کشور، مدیریت مصرف هزینه ها بدون نظارت و برنامه ریزی و به شکلی کنترل نشده بوده است که در نهایت کشور را به زمین می زند. (نه خیر آقای وزیر، جنبش سرنگونی مردم نظام را به زمین می زند و نه مدیریت شماها، از این دیگر گریزی نیست)

تاکیدات داخل پراتر از نویسنده

که نتیجه عکس میدهد. این نظام یک جای کارش میلنگد که معلمش صاف رفته جلو مجلس اسلام و معیشت و منزلت میخواید. این معلمی است که از هزار تا فیلتر رد شده که پاک باشد و بعد از اینکه مطمئن میشدند که شرح انور در تمام رگ و پی اش نفوذ پیدا کرده اجازه دبیری مییافت. حالا همان حکومت شارع مقدس را زیر سوال برده و بر علیه اش اعتراض و اعتصاب

است. {

این جملات بر صفحه های روزنامه های زیر سانسور ارشاد اسلامی نظام نقش بسته است (روزنامه شرق - روز دوشنبه ۱ مرداد ۱۳۸۶ - صفحه ۵)، تا معلول ترین اذهان این جماعت نیز قادر به درک حقایق آینده سیاسی جامعه ایران در فردای جنبش عظیم سرنگونی طلبی مردم بشوند. این جنبش فقط گوشه کوچکی از نیروی بالقوه خود را در اعتراضات ماه گذشته مردم علیه سهمیه بندی بنزین به نمایش گذاشت و فشار خود را در ادامه اش در اذهان عمومی جریان کشمکش بین مجلس نشینان حاکمیت و دولت، وزیر کشور دولت جنایتکاری که خود روزی عضو تیم کشتار کننده زندانیان سیاسی تابستان سال ۶۷ بود، امروز خود را به آب و آتش میزد تا به نوعی خود را فارغ از این وانفاسی سیاسی و بن بست نظام نشان دهد، دولتت را بی تقصیر جلوه دهد و طرف مقابل را مقصر بداند. این ها همه نشان از داغی بستر زمین جامعه انقلابی ایران است. فضای پرتنش مجلس در روز ۳۱ تیر ۸۶ که با جملاتی در بالا به آن اشاره شد، نشاندهنده عمق فشاری است که در اثر التهاب اجتماعی و وجود فضای نفرت و انزجار عمومی مردم ایران به دولت و نظام اسلامی وارد می شود. درست همین عوامل است که آنان را به چنین عکس العملهایی در برابر هم وامیدارد. مجلس و دولت در این روز در برابر هم صف آرائی کردند تا

از زیر فشاری که باصطلاح نمایندگان، از مردم شهرهای مختلف، محل باصطلاح انتخابی شان با خود بارمغان آورده بودند سلامت بیرون آیند. غافل از اینکه اینهم خیالی بیش نیست. جنبش سرنگونی طلبی مردم سر سازش با رژیم جنایت جمهوری اسلامی ندارد. فضای نارضایتی و فشار از پائین، هر روز و هر روز بیشتر میشود. این جنبش رفته رفته رادیکالتر میشود. پروتازش را میشود نشان داد. شعارها ی رادیکال، راههای اجتماعی تر و خیابانی شدن هر چه بیشتر اعتراضات، بیانگر این حقیقت آشکار است. آزادی، برابری - فقط یک نژاد و آنهم نژاد انسانی - کارگر، دانشجو، اتحاد - اتحاد - نه بمب، نه جنگ، اشتغال، اشتغال و سوسیالیسم یا بربریت و دهها شعار سوسیالیستی دیگر نشاندهنده این حقیقت است. این فضا را با دستگیری رهبر آن کارگری، دانشجویی و زنان و جوانان، این فضا را با اعدام و سنگسار هم نمیتوان به عقب نشینی وادار کرد. مردم عزم خود را جزم کرده اند و در این راه حزب با تمام قدرت تلاش دارد در راس این اعتراضات قرار گرفته و برای همین است که باید گفت برای رژیم راه گریزی نیست. حزب کمونیست کارگری ایران برای کم کردن مصائب این تحول عظیم آماده است و تصمیم جدی به سازماندهی انقلاب را در کنگره شش هر چه بیشتر تاکید کرد.

زنده باد انقلاب،
زنده باد حزب

یک دنیای بهتر
برنامه حزب
را بخوانید
و در سطح وسیع
توزیع کنید

میکند. همین چیزها است که روح آقا را آزاده، اما جسارتا باید بعد این همه سال به سید اولاد پیغمبر گفت: شب بخیر! خواب دیدی خیر باشد. داشته پول ساندویچ ها را میدادم به ساندویچ فروش گفتم: اینجا خیلی سوسک دارد. هراسان شد و گفت کو، کجاست؟ به تلویزیون اشاره کردم. گفت: این که نگرانی ندارد یک دگمه است که باید فشار داد. *

از میان نامه ها و سؤالات

نامه ای از امید رهایی - ایران با سلامهای گرم در ادامه بحث نامه قبلی ام، بویژه در باره بحث کمونیسم کارگری بزبان ساده، که توسط فعالین هر چه بیشتری در تبلیغ و ترویج مورد استفاده قرار گیرند، توضیحات بیشتری را لازم میدانم بدهم. من از این نکته شروع میکنم که هر چند محتوای کمونیسم کارگری ساده و گیراست ولی بهر حال در توضیح آن که همانا نقد همه جوانب جامعه معاصر است، فعالین جدیدی که پا به این عرصه از زندگی اجتماعی میگذارند، با این مشکل روبرو میشوند که دوست دارند، انسانهای هر چه بیشتری را در کوتاهترین زمان ممکن به این نقد مسلح کنند. و یا به بیانی دیگر باید کاری کرد که انسانها، هر چه بیشتر و در زمان کوتاهی خودشان را حزبی بدانند و برای اهداف حزب، که همانا اهداف میلیونها انسان است، تلاش و مبارزه کنند. و درست در این راستاست که به مروج حزبی که با او در ارتباط هستند مطرح میکنند که: ببین، تو خیلی خوب زندگی اجتماعی امروزی، مشکلات و معضلات آنرا، جامعه سرمایه داری و ریشه همه دردهای جامعه امروز ایران و جهان را توضیح میدی. من نیز از صمیم قلب دوست دارم مثل تو عمل کنم. من که نمیتونم همه جا تو را با خودم به ببرم. این کار از جوانب مختلف غلط است (امنیتی و غیره) و در ثانی، بهر حال بعد از چند ماه کار و تلاش و آشنائی با این نگاه به زندگی، من هم باید مستقلاً تبلیغ کنم و انسانهای زیادی را با حقیقت زندگی و تلاش برای تغییر این جهان نابرابر آشنا کنم. پس برای این کار من باید هر چه سریعتر و بهتر موضوع را یاد بگیرم، و درست مثل تو با چند ساعت توضیح طرف مقابل را قانع کنم. برای همین احتیاج دارم که با یک سیر بحث بطور خلاصه و فشرده آشنا باشم و بزبان عام تری، این جهان را توضیح دهم. این سیر بحث هم میتواند در سی چهل صفحه خلاصه شود و در اختیار همه دوستان علاقمند و جوان قرار گیرد. این کار از جنبه های مختلف اهمیت دارد و به اعتقاد من باید روی آن کار کرد. این، مشکلی است که مطرح میشود و فکر میکنم از همین دید، برای منصور حکمت نیز مطرح

بود. او در ابتدای سمینار دوم کمونیسم کارگری، مطرح میکند که تصمیم دارد برخی از بند های کلیدی برنامه يك دنیای بهتر را در قالب سمینارهای تك موضوعی برگزار کند. احتمالاً او نیز چنین نیازی را حس کرده بود. ممکن است در راستای جوابگوئی به چنین نیازی بتوان از رفیق حمید خواهش کرد که در صورت داشتن وقت به این موضوع فکر کند و راهی برایش بیاید. بهر حال سیر وقایع و سرعت تحولات، آن دلالی است که چنین طرح هایی را به میان میکشد و ما موظف به جوابگوئی هستیم. برای شروع، با کمی فکر و گشت و گذار در عالم ادبیات کتبی، صوتی و تصویری حزب به نکات جالبی رسیدیم. با این دید که من اگر بخواهم بزبان ساده و عام این جهان و بویژه جامعه ایران را توضیح دهم، از کجا باید شروع کنم؟ به چند اثر برخوردیم که همینجا به عنوان گام اول عنوان میکنم و از شما هم میخواهم نظراتان را بگوئید. این آثار به اعتقاد من میتواند شرح زیر باشد:

- ۱- مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال در باره جوانب مختلف جامعه سرمایه داری که با شماره ۳۱۹۰ - ۱ ~ ۵ مقابل آرشیو مشخص شده است.
- ۲- در باره اوضاع سیاسی، آینده جامعه و اینکه چرا باید حزب را انتخاب کرد. (مصاحبه منصور حکمت با رادیو انترناسیونال) با شماره ۵ - ۱ (۳۱۹۰)
- ۳- این حزب شماسست (سخنرانی در سوئد) با شماره ۱ - ۳ (۲۹۷۰)
- ۴- برنامه کارگران- بحثهای رفیق حمید تقوائی در باره جنبش کارگری و نحوه متشکل نمودن و شورا و سندیکا و غیره ...

امید گرامی نکات مهمی را در نامه ات طرح کرده ای و در موردش نظر خواهی کرده ای. با پوزش از اینکه نتوانستیم در همین شماره به نکات نامه ات پردازیم، بحث در مورد این موضوع را به شماره های آتی موکول میکنیم.

با آرزوی موفقیت
محسن ابراهیمی

شوراها در جامعه سوسیالیستی

محمد مزرعه کار: زمانیکه حزب کمونیست کارگری قدرت سیاسی را بگیرد وضعیت اقشار متوسط در این جامعه چه میشود؟ متخصصین و مهندسیین، پزشکان و وکلا که درآمدهای بالا دارند و همیشه هم میخواهند مرفه باشند، زیر بار سیستم برابری اقتصادی با کارگران و پرستاران و معلمین نخواهند رفت، آیا آزادی بی قید و شرط سیاسی برای اقشار متوسط، خطری را متوجه حکومت سوسیالیستی و حکومت کارگری نخواهد کرد؟ و دوم اینکه بعد از اعلام جمهوری سوسیالیستی آیا پول در مناسبات و در حوزه اقتصادی داخلی در بین مردم ایران حذف خواهد شد؟ در رابطه با مبادلات جهانی از جمله فروش نفت و غیره چطور، پول یا دلار چه نقشی خواهد داشت؟

حمید تقوائی: برای اینکه مسئله روشن شود، اجازه بدهید ببینیم که وقتی میگوییم "جمهوری سوسیالیستی"، اساساً این چه نوع نظامی را مد نظر داریم و به چه میگوییم حکومت سوسیالیستی، و از آنجا مسئله سیاست هم روشن میشود. آن جمهوری سوسیالیستی که ما میگوییم، قدرتش مستقیماً در دست شوراها و مردم است که در شهرها و مناطق و محلات تشکیل میشوند، و نه در دست شوراها یا کارگران بطور اخص، بلکه در دست شوراها همه مردم است، و احزاب هم آزادند برای اینکه از طریق همین شوراها و با فعالیت در شوراها سیاستهایشان را به پیش ببرند. در نتیجه آن اقشار متوسطی هم که اشاره کردید، آنها نیز در شوراها هستند، آنها نیز حق دارند و حرف دارند، و نظر دارند و رای دارند، و اکثریت تصمیم خواهند گرفت، و تصمیمات را هم پیاده خواهند کرد. حال ممکن است شما بگویید که ممکن است که اکثریت تصمیم بگیرند ولی این اقشار متوسط تصمیم اکثریت را نپسندند و نپذیرند. بنظر این تصور، از آنجا ناشی میشود که ما فکر میکنیم که امکانات مادی جامعه در نظام

سوسیالیستی از سطح امروز پایین تر میآید، و در نتیجه اقشار متوسط احساس میکنند که مغبون شده اند و ضرر کرده اند، در حالی که خود همین فرض اشتباه است.

سوسیالیسم ما، پخش کردن و توزیع فقر نخواهد بود، و من فکر میکنم که در جامعه به اندازه کافی امکانات وجود دارد که توده مردم، از جمله افراد مورد اشاره شما که گفتید امروز درآمدهای بالائی دارند زندگی ای بمراتب مرفه تر از وضعیت امروز داشته باشند و از نعمات اقتصادی و اجتماعی برخوردار شوند. چراکه در جامعه سوسیالیستی همه فعالند و به اندازه توانشان کار میکنند و به اندازه نیازشان هم از نعمات جامعه برخوردار میشوند. این فرض که اقشار متوسط ناراضی میشوند، بر این تصور مبتنی است که سطح زندگی این اقشار تنزل پیدا میکند و این تصور غلطی است. در جامعه به اندازه کافی منابع اقتصادی و مالی، و بطور کلی ثروت اجتماعی هست که بتواند زندگی افراد را در سطحی مرفه تر از امروز تامین کند، و بهمین خاطر اقشار متوسط هم زندگیشان ارتقا خواهد یافت.

اینرا هم بگویم که آزادی بی قید و شرط برای همه است، و نه فقط کارگران! اقشار متوسط و حتی بورژوازی هم از این آزادی برخوردار است. یعنی اقشار و طبقه حاکمه قبلی، طبقه سرمایه دار هم میتوانند از نظر سیاسی فعال باشند و احزابشان را داشته باشند، و میتوانند در شوراها شرکت کنند و نظراتشان را به رای بگذارند. این آزادی بی قید و شرط سیاسی برای همه جامعه تامین میشود، و نه فقط برای کارگران، و همانطوری که گفتم، در شوراها همه دخالت میکنند و نه فقط کارگران.

و اما اینکه سیاست ما در قبال پول چگونه است، در جامعه سوسیالیستی این روشن است که پول جایی نخواهد داشت، منتها اینجور نیست که از همان روز اول که جامعه سوسیالیستی میشود، و شوراها هم

از میان سؤالات در جلسه اینترنتی هفتگی حمید تقوائی

این متن را ناصر احمدی
پیاده کرده است.
با تشکر از ناصر احمدی

برقرار میشوند، پول هم حذف شود، این نمیتواند فوراً صورت بپذیرد. زمانی که در جامعه سوسیالیستی طبقه کارگر بتواند قدرت سیاسی را تثبیت کند، و حکومت شورایی را تثبیت کند، و بتواند سیاستهای اقتصادی را پیاده کند، آنموقع طبعاً از شرایط کارمزدی و از استثمار و از پول هم اثری نخواهد بود، و ضرورتی هم نخواهد داشت، و به این معنی است که در جامعه سوسیالیستی پول جایی نخواهد داشت. اما اینکه مسئله پول در رابطه با دنیای خارج چه میشود، میتواند بر همان مبنایی باشد که در جهان خارج جریان دارد، یعنی در عین اینکه پول در خود جامعه سوسیالیستی نقشی ندارد اما داد و ستد جامعه سوسیالیستی با کشورهای سرمایه داری و بازار جهانی با واسطه پول صورت میگیرد. در واقع جامعه سوسیالیستی نظام اقتصادی خودش را خواهد داشت و پول هم در آن نقشی نخواهد داشت، اما همانطور که گفتم برای صادرات و واردات پول میتواند بعنوان ابزار مبادله عمل کند، و این کاملاً ممکن است و بهمین صورت هم خواهد بود.

حمید اطمینانی: اگر بنظر شما قدرت باید بدست شوراها مردمی باشد و نه بدست شوراها کارگری، آنوقت چطور هرکس به اندازه نیازش سهم خواهد برد؟ آیا اقشار غیر کارگری که تمایل بیشتری برای سهم بری بیش از نیاز خود دارند، آنوقت خودبخود در مقابل خصلت جامعه سوسیالیستی قرار نمیگیرند، و فی نفسه در مقابل قدرت کارگران، و در مقابل الغای قوانین کارمزدی نمیایستند؟ چراکه بهر حال مارکسیست معتقد هست که فقط طبقه کارگر میتواند بیشترین رفاه را در جامعه تامین کند و نه اقشار دیگر. با این حساب چرا باید قدرت بدست شوراها مردمی و نه بدست شوراها کارگری باشد؟ آیا منظور شما بنوعی اعتقاد به يك دوران

شوراها در جامعه سوسیالیستی

گذار است؟ در این رابطه لطفاً کمی بیشتر توضیح دهید. در عین حال جریان‌اتی داریم بنام فدائیات اقلیت، و شعارشان هم اینست که میگویند "سزگون باد جمهوری اسلامی - برقرار باد شوراهای کارگران و زحمتکشان" و طبق شعاری هم که مطرح میکنند خواهان برقراری صنایع متوسط هستند و نه الغای نظام کارمزدی، و در عین حال ملی شدن صنایع و بانکها را در برنامه شان طرح میکنند. پس بیشتر توضیح دهید که قدرت در دست شوراهای مردمی و نه کارگران به چه معنی است؟ چرا که اگر شوراهای در دست مردم باشد و نه کارگران، باتوجه به اعتقاد ما کمونیستها که اقتصاد را زیر بنای میادیم آنوقت آیا این قدرت سیاسی در دست مردم در ارتباط با الغای نظام کارمزدی منجر به تحولاتی در اقتصاد نمیشود و سرانجام منجر به انباشت سرمایه نمیکرد؟

حمید تقوایی: من به چند دلیل میگویم که این شوراها، شوراهای مردم است و مردم علی‌العموم در شوراها هستند. دلایل من چنین اند: اولاً بعد از استقرار جمهوری سوسیالیستی دیگر قرار بر این نیست که باز هم طبقه کارگر و غیر کارگر در جامعه وجود داشته باشد. وقتی جامعه به طبقات تقسیم نشود شوراها هم نمیتوانند به کارگری و غیر کارگری تقسیم شوند! بله، این درست است که سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب، هنوز طبقات وجود دارند و معلوم است که کارگران کی‌ها هستند و یا بعبارت دقیق‌تر چه کسانی بوده‌اند. اما این وضع نباید بر دوام بماند و در قوانین و نهادهای جامعه سوسیالیستی تثبیت بشود. جامعه باید به سوی نفی کامل طبقات حرکت کند و نه تثبیت آنها در نهادهای حکومتی! شوراها پایه‌های حکومت سوسیالیستی هستند، طبقات باقی نخواهند ماند، ولی جمهوری شورایی باقی خواهد ماند، جامعه به سبک شورایی اداره خواهد شد و شوراها حتی بعد از زوال دولت بعنوان نهادهای اداره امور مردم همچنان باقی خواهند ماند. اما وقتی شما میگویید شوراهای کارگری پایه‌های حکومت اند،

درواقع دارید کارگر و غیر کارگر را تثبیت میکنید، و این یعنی اینکه ظاهراً در جامعه سوسیالیستی همچنان کارگر و غیر کارگر داریم. این غیر کارگرها در جامعه سوسیالیستی کی‌ها هستند؟! مگر قرار نبود همه در تولید شرکت داشته باشند و باندازه توانشان کار کنند؟! اگر اینطور است تقسیم شوراها به کارگری و غیر کارگری امری بی‌اساس و پوچ خواهد بود. اما وقتی میگوییم "مردم" و شوراهای مردم به این معنی است که دیگر طبقات را قبول نداریم، و دیگر طبقات برمیافتند. حتی اگر عملاً محو طبقات مدت زمانی بطول بیانجامد باید از همان روز اول در قوانین و مناسبات و نهادی‌های حکومتی نشانی از طبقات نباشد. اگر شما شوراها را طبقه‌ای تعریف کنید در واقع خشت اول را کج گذاشته‌اید و کارگر و غیر کارگر را تثبیت کرده‌اید، و دیگر هیچ وقت هم نمیتوانید این تمایز را از بین ببرید.

این دلیل اول من است. دلیل دوم هم اینکه شما میگویید که "اقتدار و طبقات دیگری که میانند در شوراها، اینها بیش از نیازهایشان میخواهند بهره ببرند". چرا اینطور است؟! و چرا این فرض را میکنید؟! معمولاً مردم میخواهند بیش از اندازه بهره ببرند چرا که بفکر روز مبادایشان هستند، چرا که در جامعه سرمایه داری رقابت است، چرا که فردا تامین شغلی و تامین اقتصادی ندارند، چرا که خودشان و خانواده‌شان را میخواهند تامین کنند و برای روز مبادایشان پول جمع میکنند، و یا به این دلیل که در چشم هم چشمی همسایه‌شان میخواهند پولدار شوند، و بهمین خاطر است که بیشتر از نیازهای فوری‌شان بهره میخواهند و کلاً میخواهند ثروت اندوزی کنند. اما این نوع مناسبات و رقابتها در جامعه سوسیالیستی بطور کلی ریشه کن میشود. وقتی هر کس باندازه نیازش از نعمات جامعه بهره مند شود دیگر جانی برای حرص و طمع و ولع ثروت اندوزی و ذخیره مال و منال باقی نخواهد ماند. خود شما هم نکته جالبی گفتید. گفتید که این فقط طبقه کارگر است که میتواند بهترین رفاه

را در جامعه برقرار کند. بسیار خوب، اگر اینجور است که میتواند و باید هم بهترین رفاه را برقرار کند آنوقت دیگر چرا باید بعضیها حرص بزنند که بیشتر از نیازشان بهره ببرند؟! زمانیکه طبقه کارگر، یا درست تر است بگوئیم تولید کنندگان در جامعه سوسیالیستی، میتواند بهترین رفاه را برقرار کنند آنموقع دیگر چرا باید از ثروت اندوزی غیر کارگرها (که در ضمن در جامعه سوسیالیستی که همه کار میکنند معلوم نیست یعنی کی‌ها) هراس داشته باشیم؟ بهمین خاطر است که اگر میگویم اینجوری نیست که اگر قدرت در دست شوراهای کارگران باشد آنوقت سوسیالیسم میتواند پیاده شود و اگر در دست شوراهای مردم باشد سوسیالیسم در جامعه نمیتواند پیاده شود! نه، قضیه بر عکس است. اگر تمایز میان کارگر و غیر کارگر را برسمیت بشناسیم آنوقت خصلت طبقاتی جامعه را حفظ کرده‌ایم. درحالی که وقتی از مردم و شوراهای مردم صحبت میکنیم تفاوت طبقاتی را از نظر موقعیت اجتماعی، و از نظر موقعیت سیاسی، عملاً رد میکنیم و بطور کلی در هیچکدام از این عرصه‌ها هیچ تمایزی را برسمیت نمیشناسیم.

جامعه سوسیالیستی شهروند دارد و شوراها هم شوراهای مردمی هستند، اما کارگر و بورژوا و خرده بورژوا ندارد. همه به یک اندازه در تولید سهم اند، به اندازه توانشان کار میکنند و باندازه نیازشان از ثمرات تولید اجتماعی بهره مند میشوند. شما شهروند جامعه سوسیالیستی هستید و لذا عضو جامعه سوسیالیستی هستید، از نظر همه حقوق با هم برابرید، و از نظر اقتصادی و اجتماعی و سیاسی هم با هم برابرید، و همه با هم جامعه را تشکیل میدهند. همه در شوراها حضور پیدا میکنند تا بتوانند این برابری را از نظر سیاسی و تصمیم گیری برقرار کنند. اما اگر کارگران بخواهند که غیر کارگران را از شوراها کنار بگذارند، پس آنوقت اصل آزادی و برابری چه میشود؟! این یعنی اینکه یک بخش از جامعه حق دارد در تصمیم‌گیریها شرکت

از میان نامه‌ها و سؤالات

نامه‌ای از پارلمان اتحادیه اروپا به مریم نمازی

مریم نمازی عزیز
از طرف گروه کاری پارلمان اروپا در باره جدایی مذهب از سیاست، مایلیم از شما دعوت کنم که در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۷ در پارلمان اروپا در بروکسل در این باره صحبت کنید. برای جلسه بعدی، ما میخواهیم فعالین اکس مسلم از کشورهای مختلف اروپا را گرد هم بیاوریم. ما از هر سخنران میخواهیم که یک مقدمه کوتاهی در باره رابطه اسلام و سکولاریسم در کشور مربوطه خودشان بدهند. متعاقباً جلسه برای دخالت شرکت کنندگان باز خواهد بود. به عنوان یک فعال برجسته در اکس مسلم انگلستان، و به عنوان سکولاریست سال قبلی، باور داریم که حضور شما در این جلسه بسیار ارزنده است.

مریم نمازی عزیز
شکل گرفت، یک گروه کاری مشترک میان پارلمانهای اروپایی است که به طور منظم با نهادهای جامعه مدنی گرد هم می‌آیند تا در باره مسائل مربوط به مذهب و سیاست بحث و مناظره کنند. هدف این گروه کاری این است که تضمین کند مناسبات میان نهادهای اتحادیه اروپا و کلیساها و مذاهب، متوازن و شفاف باشد و بیطرفی در این رابطه محترم شمرده شود.
از پیش از شما متشکریم و منتظر جواب شما هستیم.

با احترام
Sophie in 't Veld
رئیس گروه کاری
در باره جدایی مذهب از سیاست

کند و بخش دیگر از این حق محروم است!! و به این ترتیب آزادیهای بی قید و شرط از همین قدم اول یعنی میشود! میخواهم بگویم که یک چنین تقسیم بندی "شوراهای کارگری و غیر کارگری" همه مبانی جامعه سوسیالیستی را در هم میریزد.

من فکر میکنم که شوراهای تشکیل دهنده جمهوری سوسیالیستی شوراهای شهرها و مناطق و محلات خواهند بود و نه شوراهای محل کار و شوراهای دانشگاه و شوراهای اداره و غیره. کسی که در کارخانه‌ای کار میکند، کسی که در محیط دانشگاهی یا اداره‌ای کار میکند، همه اینها بالاخره در محلات زندگی میکنند، و رای و نظرشان از طریق شوراهای محلی در جامعه جاری میشود. یعنی این شهروندان هستند که در سیاست دخالت میکنند و نه انسانهایی با موقعیتهای کاری متفاوت و ویژه. مردمی که در یک جامعه زندگی میکنند شهروند آن جامعه‌اند. احزاب هم از طریق همین شوراها مسائلشان را پیش میریزند. اینکه بالاخره ممکن است در

جامعه سوسیالیستی افرادی بخوانند به گذشته برگردند و نظام سوسیالیستی را از بین ببرند، و چوب لای چرخ جامعه و نظام سوسیالیستی بگذارند، این کاملاً به مبارزه سیاسی ما بستگی دارد. و از جمله به سیاستها و پراکتیک حزب کمونیست کارگری که میشود تصور کرد نقش اساسی‌ای در پیروزی انقلاب سوسیالیستی ایفا کرده و لذا طبعاً بخش عمده‌ای از کارگران و مردم را نمایندگی میکند. ما معتقدیم که اکثریت عظیم مردم، نه تنها در جامعه ایران بلکه در همه جای جهان، در استثمار نفعی نازند و اگر ببینند و تجربه بکنند که در یک جامعه سوسیالیستی که از استثمار و از مناسبات کارمزدی و از تبعیض خبری نیست میتوانند زندگی مرفهی داشته باشند، آنوقت طبعاً طرفدار دوآتشفه جامعه سوسیالیستی خواهند شد. سوسیالیسم اکثریت قریب با اتفاق مردم را با خود خواهد داشت و نه فقط طبقه کارگر را.

و اما برسیم به نکته بعدی که گفتید بعضی از نیروهای سیاسی

شوراها در جامعه سوسیالیستی

"شوراهای کارگران و زحمتکشان" را مطرح میکنند. خب، اینهم چیزی را حل نمیکند. اینهم تاثیر همان فرمول قدیمی آزادی برای خلق است. خب، این زحمتکش کی است؟ و به کی نمیگویم زحمت کش؟ باز هم باید وارد بحث لایه شناسی خرده بورژوازی شویم تا ببینیم چه کسی مشمول تعریف زحمتکش و یا خلق میشود و چه کسی نمیشود! شوراهای کارگران و زحمتکشان باز هم همان دمکراسی خلقی است. همان آزادی برای خلق و سلب آزادی از غیر خلق است. وقتی که بقیه را از شورا بگذارید بیرون یعنی اینکه آزادیشان را سلب کرده اید، و لااقل در تصمیم گیری سیاسی به آنها آزادی نداده اید. بنابراین برمیگردیم به همان ایده های سنتی آزادی برای خلق و محروم کردن اقشاری که در تعریف ما از خلق نمیگنجد. این نوع تها را ما مدتهاست نقد کرده ایم و کنار گذاشته ایم.

ما میگویم آزادی برای مردم، و بدون قید و شرط برای همه، برای همه شهروندان، از آن کسی که سابقا سرمایه دار بوده تا کسی که سابقا کارگر و خرده بورژوا بوده است. در جامعه سوسیالیستی دیگر این تمایزات نخواهد بود. همه شهروندان و همه انسانند و همه برابرند، و همه در شوراها فعالیت میکنند. اگر در جامعه نیرویی و حزبی بخواهد این جامعه سوسیالیستی را برهم بزند و جامعه را دوباره به نظام سرمایه داری برگرداند، خب، اینجا دیگر با یک مبارزه سیاسی روبرو میشویم که بایستی به پیش برده شود. برای مقابله با نیروهای ارتجاعی که میخواهند در جامعه سوسیالیستی پیروزی طبقه کارگر را باز پس بگیرند، مانند مبارزه در دل جوامع موجود برای رسیدن به این پیروزی، آزادیهای بی قید و شرط سیاسی برای همگان حیاتی است.*

تظاهرات

به اقدام جهانی ۹ اوت پیوندید! برای آزادی محمود صالحی، منصور اسانلو و همه زندانیان سیاسی به میدان آید!

خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران همه شما را به شرکت فعال در این تظاهرات ها فرامیخواند. ۹ اوت را به روز مبارزه گسترده برای آزادی منصور اسانلو، محمود صالحی، دانشجویان زندانی پلی تکنیک و همه زندانیان سیاسی تبدیل کنیم!

با فراخوان دو اتحادیه کارگری به اقدام جهانی برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی فعالیت گسترده ای در خارج براه افتاده است. در داخل ایران نیز فعالیت های چشمگیری مشاهده میشود. به این مناسبت تظاهرات هائی در کشورهای مختلف برگزار میشود. تشکیلات

ونکوور

اتوبوس های
52, 10,9
تلفن تماس:
07950924434

از ساعت ۵ بعد از ظهر
مقابل آرت گالری در مرکز شهر ونکوور
این تظاهرات همراه با شماری از اتحادیه های کارگری برگزار میگردد. در این تظاهرات نمایندگان از فدراسیون کارگران بریتیش کلمبیا، اتحادیه کارکنان بیمارستانها، رانندگان اتوبوس، فدراسیون معلمان بی سی، شورای کارگران شهر و تنی چند از فعالین سیاسی اجتماعی سخنرانی خواهند داشت.
تلفن تماس: ۸۹۸۶-۷۲۷-۶۰۴

هلسنکی
kulosaaarentie 9
00570
در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
از ساعت 12 ظهر
تلفن تماس:
0409111190 و 0405758250

اتاقا

هامبورگ
در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران
از ساعت ۱ بعد از ظهر
Bebelalle 19
تلفن تماس:
0178-3379808
0173-1637132
0172-4037035

در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
از ساعت ۱۲ و نیم
245 Metcalfe Street
تلفن تماس:
1 416 726 9321

استکهلم

فرانکفورت
در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی ایران
از ساعت ۱ بعد از ظهر
Raimond str.90
تلفن تماس:
0170-5401080
0162-3672419

مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
از ساعت ۲ بعد از ظهر
تلفن تماس 0703610279

مالمو

دنهاگ (لاسه)
در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
از ساعت ۲ بعد از ظهر
تلفن تماس: 0649906014

میز اطلاعاتی از ساعت ۱۲ تا ۱۴ در مقابل دفتر اتحادیه واقع در فولکت هوس، ساختمان اولاف پالمه پلاتسن و از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در میدان ترانگن
تلفن تماس: 0703638088

یوتبری

اسلو
مقابل Nationaltheatret
میز اطلاعاتی
از ساعت ۲ تا ۴ بعد از ظهر در ایستگاه Stortingsgaten

از ساعت ۵ بعد از ظهر
Brunnsparken در پروتز پارکن
تلفن تماس: 0704227196

لندن

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
جولای ۲۰۰۷

در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران
از ساعت ۱۲ ظهر
Kensington Gore, London SW7

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیس:
Account nr: 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-3-639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

تلویزیون انترناسیونال را به دوستان و آشنایانتان معرفی کنید

پخش برنامه های "تلویزیون انترناسیونال" در "کانال جدید" بر روی ماهواره هات برد از روز چهارشنبه سوم مردادماه (۲۵ ژوئیه) شروع شده است.

این رسانه متعلق به کارگران و مردم ستمدیده ای است که سهمی جز فقر و محرومیت و سرکوب آرزوهای انسانی خود، ندارند. تلویزیون انترناسیونال صدای اعتراض کارگر به جهنمی است که طبقه سرمایه دار سازمان داده است، صدای اعتراض زنان به وضعیت غیرانسانی خویش است، صدای اعتراض همه انسانهای شریف و آزاده است که خواهان به گور سپردن این نظام کثیف و حکومت حامی آن هستند. تلویزیون انترناسیونال صدای انسانیت، صدای حق طلبی، صدای آرمانهای انسانی اکثریت عظیم مردم و صدای اعتراض بحق آنها است.

ما را در گسترش صدای خود یاری رسانید. فرکانس و سایر مشخصات آنرا به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. این آگهی را در سطح شهر، در کارخانه و دانشگاه و محله ای که زندگی میکنید و هر جا میتوانید وسیعاً پخش کنید.

کیفیت پخش کانال جدید را همچنان به ما گزارش دهید. ما از همه شهرها و محلات مختلف شهرها و همینطور کشورهای همجوار به گزارش شما نیاز داریم. برای انترناسیونال خبرنگاری کنید. از آنچه در اطراف شما میگذرد گزارش، فیلم و عکس تهیه کنید و برای ما بفرستید که به اطلاع سایر مردم برسانیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۸ ژوئیه ۲۰۰۷، ۶ مردادماه ۱۳۸۶

آدرس تماس و مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

۸	ماهواره هات برد
۱۲۳۰۳	فرکانس
۲۷۵۰۰	سیمبل ریت
۲/۴	اف ای سی
(Vertical)	پلاریزاسیون عمودی
سایت کانال جدید: http://www.newchannel.tv	

آدرس تماس:

kanaljadid@yahoo.com

tv.international@yahoo.com

تلفن تماس: ۰۰۴۴۷۹۰۴۴۱۳۵۲۵ و ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

از صفحه ۱ دانش آموزان در آلمان ...

سازمان داده و میخواهند این حرکت را عمومی کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام با استقبال از این حرکت دانش آموزان در شهر هامبورگ آلمان، از همگان دعوت میکنند که به اقداماتی از این نوع دست زده و به جنایات حکومت اسلامی اعتراض کنند. همبستگی بین المللی با مردم ایران و اعتراض به حکومت اسلامی تا کنون توانسته است جان تعداد زیادی در ایران را نجات دهد. مبارزات جهانی علیه اعدام در ایران را باید گسترش داد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

۱ اوت ۲۰۰۷

سپتامبر قرار است در این مدرسه، مینا احدی در مورد جنبش علیه اعدام در ایران، سخنرانی کند. معلم این دانش آموزان طی تماس تلفنی با مینا احدی گفت که با وجود اینکه در آلمان تعطیلات تابستانی است، اما شاگردان این مدرسه گفته اند، ما باید بر علیه اعدامها کاری کنیم. ما باید سینا پایمرد و دیگر محکومین به اعدام را نجات دهیم. آنها میگویند در حالیکه جوانان در ایران در این روزها اعدام میشوند، وظیفه ما است که علیرغم تعطیلات تابستانی، کاری بکنیم و به این جنایات اعتراض کنیم. آنها میتینگیهایی را در شهر

